



پیش درآمد

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با شکل‌گیری «کمیته‌های انقلاب اسلامی» جهان‌آرا و برخی از دوستانش که مخالف این مقوله بودند، مانع تشکیل کمیته در خرمشهر شدند. هم‌ایون سلطانی فرد این باره می‌گوید: «زمانی که دستور تشکیل «کمیته انقلاب اسلامی» آمد، جهان‌آرا و هم‌فکرانش مخالف این مقوله بودند. این مخالفت دلیل داشت.

در بین افرادی که جذب کمیته می‌شدند، بعضاً افراد ناباب هم به چشم می‌خورد که این‌ها به جای خدمت، ضربات بدی زدند. بر همین اساس جهان‌آرا مخالف تشکیل کمیته در خرمشهر بود و مقاومت زیادی در این باب کرد و موفق هم شد. خرمشهر جزء محدود شهرهای ایران است که «کمیته انقلاب اسلامی» در آن شکل نگرفت. توجه اصلی جهان‌آرا شکل‌گیری سپاه خرمشهر بود. در این صورت او می‌توانست نیروهای انقلابی و متعهد و پای کار را که شناخت کافی روی آن‌ها داشت، دستچین و وارد این سازمان نظامی کند.»

هنوز چند ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که برخی از گروه‌های افراطی عرب با طرح شعار خودمختاری خوزستان، اقدام به تشکیل «سازمان سیاسی خلق عرب» کردند. «شیخ محمدطاهر آل‌شبیبرخاقانی» رهبر معنوی این جمعیت بود. آن‌ها پس از نفوذ به پادگان دژ خرمشهر، مقادیر زیادی سلاح سبک و نیمه‌سنگین را به غارت بردند و با گذاشتن گشت‌های مختلف در خرمشهر، اعمال قدرت کردند. افراد زیادی برای آموزش به طرف پادگان‌های عراق گسیل شدند. عراق با روی باز از آن‌ها استقبال کرده، آن‌ها را آماده، مسلح، سازماندهی و دوباره به

داخل خاک ایران برمی‌گرداند. در فاصله زمانی قریب به سه ماه، چندین هزار نفر از این افراد به همین واسطه داخل خاک عراق رفتند و تسلیح شدند. مقادیر معتدبهایی سلاح از عراق وارد خاک ایران شد که تاکنون هیچ آماری از مقدار دقیق آن مشخص نشده است. آن‌ها حتی برای زن‌های خانه‌دار هم برنامه‌ریزی کرده و دسته‌ای تشکیل داده بودند به نام «شاخه مادران خانه‌دار» یا «شاخه دانش‌آموزان» و چه و چه. برنامه‌ریزی آن‌ها برای یک جنگ داخلی تمام عیار طراحی شده بود. در مقابل اقدامات خلق عرب، جوانان انقلابی خرمشهر، تشکی

سید عباس بحر العلوم

فعالیت‌های «کانون فرهنگی نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر» حول سه محور سیاسی و نظامی و فرهنگی بود. جهان‌آرا مسئولیت کمیته نظامی کانون را به عهده داشت و مرتضی نعمت‌زاده مسئول کمیته فرهنگی بود. اقداماتی مانند تعقیب و محاکمه افراد ساواک و برقراری نظم و انضباط در شهر، همه به عهده ما بود. در این مقطع، کانون به شدت با جریان خلق عرب و اشرار سرشاخ بود و علیه این جریان‌ها فعالیت می‌کرد. در یک مورد، به سه نفر بعد از محاکمه، حکم اعدام دادند. شبی همراه با «محمدرضا کازرونیان»^۱ و «امیر صحراپیگی» در کانون بودیم که جهان‌آرا وارد شد. او به هر نفر از ما یک کلاه کشی داد و گفت: «این‌ها رو سرتون کنید و تا پایین صورتتون بکشید که شناسایی نشید.» یک لباس سفید سرتاسری هم داد و گفت: «این‌ها رو هم بپوشید.» پرسیدیم: «این‌ها برای چه؟» گفت: «می‌خوام شما رو توی جوخه اعدام بذارم. حاکم شرع حکم اعدام سه

نفر رو داده که باید تیرباران بشن و شما سه نفر انتخاب شدید.» یکی از این سه نفر اعدامی، «سروان ساعتچی» فرمانده عملیات حکومت نظامی بود.^۲ دیگری گروه‌بانی از شهربانی به نام «رحیمی» و سومی، یک سرباز گرد بود که هفت نفر را در خرمشهر کشته و رجز خوانده بود می‌خواهم تمام جوانان خرمشهر را بکشم. محل اجرای حکم، دبیرستان «بازرگانی الفتح» بود. وقتی آن‌ها را پای دیوار گذاشتند، آقای مقتدایی عضو شورای عالی قضایی، آمد به من گفت: «پسر، شما جوون هستید. حتماً آیه‌الکرسی بخوانید.» گفتم: «حاج آقا، آیه‌الکرسی خوندم. حمد هم دارم می‌خونم.» بعد از خواندن آیه‌الکرسی حکم را اجرا کردیم. جهان‌آرا به ما گفته بود هر کدام سه تا تیر بزنیم. یکی از بچه‌ها بیشتر از سه تیر شلیک کرد. بعد از اجرای حکم، جهان‌آرا آمد و به او اعتراض کرد و گفت: «مگه قرار نبود سه تا تیر بیشتر نزنی؟ تو حق نداشتی بیشتر شلیک کنی!»

۱- سید عباس بحر العلوم: «محمدرضا کازرونیان» بعدها به سازمان مجاهدین خلق پیوست. او در یک خانه تیمی در تهران دستگیر و سپس اعدام شد.
۲- او از بهایی‌های خرمشهر هم بود.

